Share
Twittern

داکترسیدخلیل الله هاشمیان

۲۹ دسامبر ۲۰۱۲

علت استعفی جبری سپه سالار شاه محمودخان

از خاطرات کتابت در سفارت افغانستان در لندن

درقسمت اخیر مقالهٔ قبلی بعنوان (روز پشتونستان) گفته بودم که "علت برطرفی شاه محمود خان را از مقام صدارت، پژواک از لندن فراهم ساخت..." و وعده کرده بودم که تفصیل این جریان را در مقالهٔ جداگانه می نویسم که اینک ایفاء می شود :

در مقالهٔ روز(پشتونستان) نوشته بودم که والاحضرت سپه سالارغازی صدراعظم افغانستان بلندن آمد و بعد از اقامت چهار روز به واشنگتن رفتند – فراموش شده بود بگویم که در لندن با یک نفر مدیر وزارت خارجهٔ انگلیس از طرف شب در سفارت افغانستان دو بدو ملاقات کرده بودند، اما بجز مستشار سفارت شخص دیگری ازین ملاقات خبر نداشت.

هنگامیکه والاحضرت مارشال شاه ولی خان سفیر افغانستان در لندن، از فرانسه دوباره بلندن برگشت، مستشار سفارت در حضور اعضای سفارت به والاحضرت سفیر گفت که والاحضرت صدراعظم از طریق خانم سمسن سکرتر انگلیس سفارت تقاضای ملاقات با نمایندهٔ وزارت خارجه را بداخل سفارت افغانستان کرده بودند، وزارت خارجه مستر فلپس مدیر شعبه افغانستان وزارت خارجه را از طرف شب به سفارت فرستاده بود، مس سمسن مستشار را ازین ملاقات خبر داده بود و او برای پذیرایی در سفارت حاضر بود.

مستشار گفت وقتی مستر فلیپس به سفارت رسید، او را تا منزل دوم مشایعت کردم، اما والاحضرت صدراعظم حضور مرا تقاضا نکرد، لهذا تا ختم ملاقات در اطاق مجاور انتظار کشیدم، آنگاه مستر فلپس را تا بیرون سفارت مشایعت کردم، دوباره نزد صدراعظم صاحب رفتم تا راجع بروز بعد هدایت بگیرم، صدراعظم صاحب فرمودند بعد از ظهر به سواری موتر برای دیدن شهر می روند.

مرحوم عبدالرحمن پژواک درین مجلس والاحضرت سفیر را مخاطب قرار داده چیزهایی ازین قبیل گفت: ملاقات صدراعظم صاحب افغانستان با یک مدیر وزارت خارجه خارج از تشریفات معموله بوده، ایکاش مستشار سفارت درین ملاقات حاضر می بود تا رویدادی ازین ملاقات در دوسیهٔ ملاقات ها می ماند تا والاحضرت سفیر در ملاقات های آیندهٔ خود روی آن استناد می کردند. . .

والاحضرت سفیر کبیر به ارتباط سخنان نیشدار پژواک چیزهایی ازین قبیل گفتند: شاید شما مرا ملامت بدانید که چرا سفارت را ترک گفتم.

شما خبر دارید که در اثر ازدواج عبدالولی جان، سپه سالار شاه محمود خان که برادر دلبند و دوست و رفیق بسیار نزدیک من در تمام دورهٔ حیات و واقعات افغانستان بود، از من بی جهت آزرده شدند، زیرا شخص من درین ازدواج دخالت نداشتم، حتی عبدالولی را بسیار نصیحت کردم.

اما وقتی دیدم که شاهدخت بلقیس نیز رضائیت دارد و موضوع بین دو جوان خانواده فیصله شده، من در آنوقت در پاریس سفیر بودم، ابتدا در حال حضور الله نواز خان که دوست قدیمی خانوادهٔ ماست و پهلویم نشسته بود، از پاریس بحضور اعلحضرت در تلفون عرض و ماجرا را بیان کردم، اعلیحضرت امر کردند که می خواهند با الله نواز خان صحبت کنند، من از صحبت کشال اعلیحضرت با الله نواز خان چیزی نفهمیدم. الله نواز خان همینقدر بمن گفت که اعلیحضرت هدایت داده اند تا با شخص بلقیس جان صحبت کنم و نتیجه را فردا بحضور اعلیحضرت عرض نمایم.

الله نواز خان رفت و خودش نتیجهٔ صحبت خود را با بلقیس جان توسط تلفون بحضور اعلیحضرت عرض کرده بود. الله نوازخان فردا نزد من آمد و امر اعلیحضرت را بمن ابلاغ کرد که باید شخص خودم درین باره با والاحضرت صدراعظم تلفونی صحبت کنم، زیرا بلقیس جان در طفولیت نامزد عبدالعظیم جان پسر سپه سالار شاه محمود خان بود. من با سپه سالار صحبت کردم، او برادر سکه و صمیمی من بوده، چند سال جوانتر است، و هر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

وقت بکابل می روم از میدان هوایی مرا می گیرد و به منزل او می باشم و همیشه از صمیمیت دست های مرا می بوسد. وقتی مطلب را در تلفون به او گفتم بسیار مشتعل شد، هر قدر گفتم که این موضوع به رضائیت کامل بلقیس جان صورت می گیرد، بلقیس و عبدالولی هر دو اولاد شما هستند، زمانه تغییر کرده، بلقیس جان در اروپا تحصیل و بسن بلوغ رسیده، شما بایست عبدالعظیم جان راهم برای تحصیل به اروپا روان می کردید، اما اینجا دختر و بچه باهم در اروپا دیده و رضائیت دارند، من چه کرده می توانم . . . سپه سالار قبول نکرد. اما اعلیحضرت بعد از صحبت با بلقیس جان امر ازدواج را ابلاغ کردند، و بعد ازین ازدواج، مناسبات بین ما دو برارد به اندازه ای حساس و خراب شده که من مجبور شدم حین آمدن صدراعظم به لندن، سفارت را ترک کنم، زیرا سپه سالار شخص تند مزاج است، می ترسیدم در بین سفارت بین ما نزاعی نخیزد که از بد بدتر می شد. . .

مرحوم پژواک که یگانه عضو مشارالیه در سفارت بود و تنها او جرأت داشت که در حضور سفیر بالای خودش یا حکومت افغانستان انتقاد کند، بسیار نرم و محترمانه چیزهایی ازین قبیل گفت: ما به اساس آوازۀ "به اصطلاح سرچوک" کم و تم ازین مسایل خبر داشتیم، وقتی جناب شما با آمدن برادر تان که صدراعظم افغانستان است، سفارت را ترک نمودید، ما همه فهمیدیم که نزاکت خاندانی بطور جدی در بین است، و درین مورد به عقیدۀ من جناب صدراعظم که یک شخص با تجربه و جهان دیده می باشند، ملامت هستند، زیرا شاهدخت بلقیس یک بانوی تحصیل یافته است و حق انتخاب ازدواج خود را دارد، به همین لحاظ پدر شان حضور اعلیحضرت که شرعا صلاحیت رد یا قبول ازدواج دختر خود را دارند، بعد از صحبت با دختر خود، این ازدواج را منظور کردند.

والاحضرت صدراعظم نیز بایست ازین وصلت به خوشی استقبال می کردند. . . اما مقصد من جنبۀ رسمیات موضوع بود که جناب صدراعظم صاحب بایست یادداشتی از ملاقات خود به سفارت می ماندند، زیرا دوسیه ملاقات ها در سفارت موجود است و رویداد ملاقات های همه سفرای افغانستان به شمول خود شما درین دوسیه وجود دارد. . . والاحضرت سفیر گفتند :
من خبر دارم، آقای میوندوال از واشنگتن به هدایت صدراعظم چگونگی آن ملاقات را تلفونی در فرانسه بمن گفته، چونکه مستر فلپس فارسی می فهمد، صدراعظم صاحب اوضاع افغانستان و منطقه و تقاضای مردم افغانستان را برایش گفته که بخیر پاکستان است اگر دولت انگلیس میانجیگری کند و اختلافات بین دو کشور را رفع سازد که درغیر آن بدبختی بزرگ از بابت نفوذ شوروی رونما می شود که پاکستان را نیز تباه خواهد کرد. . . این مجلس به همین جا پایان یافت.
در مقالۀ (روزپشتونستان) نوشته بودم که والاحضرت صدراعظم بعد از دو ماه اقامت در واشنگتن، دوباره به لندن آمدند و نتیجۀ مذاکرات خود را که امریکا حاضر به کمک و فروش اسلحه به افغانستان نشد، به سفرای افغانستان در کشور های اروپایی اطلاع دادند و هم نظر آنهارا پیرامون سیاست آیندۀ حکومت خود شنیدند، و روزی هم روی میز نان چاشت یک برخورد لفظی بین والاحضرت صدراعظم و مرحوم پژواک رخ داده بود. سپس والاحضرت صدراعظم به طرف کابل پرواز کردند، و والاحضرت سفیر کبیر یکروز بعد دوباره از پاریس به لندن آمدند و رویداد اقامت صدراعظم در لندن توسط مستشار سفارت برای شان اطلاع داده شده بود.
آنگاه شنیدیم که والاحضرت سفیر کبیر آقای پژواک را به تنهایی نزد خود خواسته و به ارتباط پرخاش صدراعظم دلجویی کرده بود. در این جا باید علاوه کنم که والاحضرت مرحوم مارشال شاه ولیخان سفیر کبیر لندن، شخص بسیار مؤدب و تشریفاتی و با زیردستان خود نهایت خوش برخورد بودند، علاوتاً برخلاف آنچه بعضی ها نوشته اند، مارشال از پاکستان شدیداً متنفر بود و چند بار در صحبت های خود انزجار و نفرت خود را از حکومت پاکستان و اینکه پاکستان می خواهد حکومت افغانستان را سقوط بدهد، به اعضای سفارت گوشزد نموده بودند.
ما در لندن از کابل خبر نداشتیم که والاحضرت صدراعظم چه نوع راپوری از ملاقات های خود در لندن و واشنگتن بحضور اعلیحضرت پادشاه افغانستان و کابینۀ افغانستان ارائه نموده بودند. اما از یکعده جنرال های افغان که با معرفی خط دارالتحریر شاهی برای تداوی بلندن می آمدند – و سفارت مکلف به مهمان داری و خبرگیری و دوام تداوی شان بود، که از آنجمله مرحوم جنرال صفر جان نورستانی یاور اعلیحضرت برای تداوی به لندن آمده بودند، و مسایل مهمانداری این نوع اشخاص بنوبت بالای سکرتر اول (مرحوم سید مسعود پوهنیار) یا من می بود – از زبان آن جنرال می شنیدیم که شخص اعلیحضرت با پالیسی پشتونستان موافق نبوده، اما زور شان به کاکا نمی رسید. . . جنرال مذکور می گفت که مذاکرات صدراعظم بکلی ناکام بوده و حضور اعلیحضرت از بابت کناره گیری امریکا بسیار تشویش دارند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

حدود دو ماه بعد از رسیدن صدراعظم بکابل، یک تلگرام شفر به سفارت رسید و امر شده بود که شخص سفیر کبیر با وزیر خارجهٔ انگلیس ملاقات کرده، تجدید نظر حکومت انگلیس را بالای پالیسی یک جانبه اش به پاکستان وعدم رواداری اش به افغانستان تقاضا و رفع مسئولیت نماید که افغانستان به حیث یک کشور مستقل و عضو ملل متحد، در برابر قیودات غیر قانونی و دشمنانهٔ پاکستان بعد ازین برای حفظ استقلال و امنیت کشور خود به هر اقدامی که لازم داند متوسل خواهد شد. در تلگرام شفرعلاوه شده بود که وزارت خارجه عین مطالب را به سفیر انگلیس در کابل ابلاغ نموده است. کلید شفر نزد سرکاتب سفارت می بود، مرحوم مسعود پوهنیار شفر را حل کرده، متن شفر را مسقیما نزد والاحضرت سفیر برد، و در بازگشت به دفتر، قرار هدایت سفیر بمنزل استاد پژواک تلفون کرد، زیرا در آنروز پژواک ملاقاتی داشت و بدفتر نیامده بود. اما پژواک به منزل نبود. مسعود پوهنیار دوباره نزد سفیر رفت و در بازگشت از من تقاضا کرد تا "دوسیهٔ اسلحه" را از آلماری آرشیف برون و بالای میز او بگذارم که هر وقت پژواک پیدا شد به او سپرده شود.

حالا موضوع امر و هدایت وزارت خارجه را همین جا می گذاریم، و اولتر باید در بارهٔ " دوسیهٔ اسلحه " در سفارت لندن به هموطنان محترم مختصر معلومات بدهم، زیرا این معلومات برای مؤرخین افغان مطالب جالب دارد:
این دوسیه که حدود یکسیر کابل وزن داشت و یک غرفهٔ کلان آلماری آرشیف را احتوا کرده بود، از بدو افتتاح سفارت افغانستان در لندن و اولین سفیر افغانستان مرحوم عبدالهادی خان داوی درعهد سلطنت اعلحضرت امان الله خان، مراجعات مکرر سفرای افغانستان را به حکومت انگلیس و جواب های مزورانهٔ وزارت خارجهٔ انگلیس را در برداشت که یقین دارم هر عضو سفارت در گذشته آنرا مرور کرده خواهد بود، زیرا غیر ازین دوسیه کدام چیز خواندنی دیگر در سفارت وجود نداشت و از طریق این دوسیهٔ جالب و پرمعلومات با همه سفرای سابق و یادداشت هایی به قلم آنها و اجراآت پنجاه سال گذشته و پالیسی های حکومت های مختلف افغانستان در طرز معامله با انگلیس، آشنایی میسر می شد. من این دوسیه را آهسته آهسته در ظرف دو سه ماه در اوقات بیکاری یا بعد از وقت مرور کرده بودم، پژواک و پوهنیار نیز قبلا آنرا خوانده بودند. درعهد سلطنت اعلیحضرت مرحوم امان الله خان، دولت انگلیس به تقاضا های مکرر خریداری اسلحه از دولت انگلیس، موضوع را به حکومت هند برتانوی محول کرده بود، زیرا در آنوقت کدام پاکستانی وجود نداشت و امپراتوری انگلیس بر نیمقارهٔ هندوستان مسلط بود. دو بار اعتراض مرحوم عبدالهادی خان داوی، اولین سفیر افغانستان، در دوسیه موجود بود که به وزارت خارجهٔ انگلیس نوشته بود که افغانستان یک کشور مستقل است و در لندن یک سفارت دارد و حکومت انگلیس اعتمادنامهٔ مرا بحیث سفیر کبیر دولت مستقل پادشاهی افغانستان پذیرفته، پس چرا شما مرا به حکومت هندوستان که یک مستعمره انگلیس است، ارجاع می کنید؟ وزارت خارجهٔ انگلیس جواب داده بود که مسایل مربوط به افغانستان و منطقهٔ آسیا همه توسط حکومت هند برتانوی رسیدگی می شود، شما احتیاجات نظامی خود را به حکومت هند برتانوی بدهید و با آنها مذاکره کنید، تصمیم نهایی به حکومت هند برتانوی تعلق دارد، اما البته لندن نیز سفارش خواهد کرد تا ترتیب اثر داده شود. . . مرحوم داوی در یک تلگرام که متن آن در دوسیه وجود داشت بکابل نوشته بود که ارجاع تقاضا های ما برای حق ترانزیت آزاد از طریق هندوستان و خریداری اسلحه از انگلستان یا دیگر کشورهای اروپایی، از طرف وزارت خارجهٔ لندن به حکومت هند برتانوی، واضحاً چنین معنی دارد که دولت انگلیس می خواهد افغانستان را به بهانهٔ فروش اسلحه دوباره مستعمرهٔ خود بسازد. . . در یادداشت دیگری بقلم مرحوم عبدالهادی خان داوی، از اعلیحضرت امان الله خان تقاضا شده بود که دوام مأموریتش به حیث سفیر افغانستان در لندن بی سود است، باید بکابل احضار شود.

در آنوقت که هنوز جنگ عمومی دوم شروع نشده بود و کشور های اروپایی به دو قطب مخالف قرار گرفته، جرمنی و ایتالیا در مقابل انگلیس و استعمارش از مستعمرات در آسیا و افریقا، تبلیغات دشمنانه داشتند، دولت افغانستان با حکومت ایتالیا برای خریداری اسلحه مراجعه کرده و دولت ایتالیا فروش هر نوع اسلحه را قبول کرده بود، اما مشکل موضوع انتقال اسلحه از طریق هندوستان به افغانستان بود که حکومت هند برتانوی با وجود قرارداد ترانزیتی که با امیرعبدالرحمن خان امضا کرده بود، آنرا اجازه نمی داد. به بسیار مشکل و بعد از مراجعات متعدد سفارت ما در لندن، هکذا در اثر فشار دولت ایتالیا که در آنوقت یک قدرت نظامی در اروپا و متحد المان نازی بود، وزارت خارجهٔ انگلیس به زبان دیپلوماتیک چنین موافقه کرده بود که حکومت هند برتانوی تنها اسلحهٔ خفیفه را اجازهٔ عبور به افغانستان می دهد، به شرطیکه فهرست آن قبلا ارائه شود. در اثرهمین موافقت بود

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

که یک مقدار اسلحهٔ خفیفه بشمول چند طیارهٔ کوچک تعلیمی، از ایتالیا به افغانستان انتقال یافت، اما فهرست آنرا سفارت لندن به وزارت خارجهٔ لندن فرستاد، نه به حکومت هند برتانوی.

سفیر دوم اعلحضرت امان الله خان در لندن مرحوم شاه دوله خان غوربندی بود. این سفیر به قرار معلومات دوسیهٔ اسلحه یک سفیر بسیار با جرأت و فعال بوده وغیر از وزیر خارجه یا معین وزارت خارجه با مأمور پایانتر ملاقات نمی کرده، و از اوراق دوسیه معلوم می شد که یکبار با معین وزارت خارجهٔ لندن به دوام جنگ لفظی، دست و گریبان شده و نکتایی معین را آنطور ضییق کرده که نزدیک بوده خفک شود. یادداشتی به قلم ترجمان انگلیسی آنوقت که نامش درست خوانده نمی شد در دوسیهٔ اسلحه موجود بود و او شرح این ملاقات را که معین وزارت خارجه پیهم می گفته که دولت افغانستان تقاضاهای ترانزیتی خود را باید با حکومت هند برتانوی مطرح و مذاکره کند، و شاه دوله خان غوربندی بشدت رد می کرده و به ترجمان می گفته که به انگلیسی به میعن بگوید که افغانستان نوکر دولت انگلیس نیست، ما یک کشور مستقل هستیم و حق ترانزیت آزاد داریم که اگر شما قبول نکنید، همانطوریکه استقلال خود را به زور برچه گرفتیم، این حق خود را نیز می گیریم. . . معین وزارت خارجه کلمات طعن آمیز به ارتباط سوابق سفیر شاه دوله خان در افغانستان اظهار کرده که در اثر آن گفتگو به اندازه ای شدت اختیار نموده که شاه دوله خان مشتی به یخن معین وارد کرده و از طریق نکتایی می خواسته اورا خفک کند.

در اثر همین وضع وزارت خارجهٔ انگلیس سفیر شاه دوله خان را " شخص نامطلوب " خوانده تقاضای خروج اورا از لندن کرده بود که سفیر مذکور بعد از دو یا سه ماه اقامت مجبور به ترک لندن شده و به جرمنی رفته بود.

طوریکه گفتم یادداشت این رویداد به قلم ترجمان انگلیسی آنوقت سفارت تحریر یافته، اما واقعیت امر به قرار معلومات دوسیه ازین قرار بوده که سفیر انگلیس در کابل به وزارت خارجه رفته و تقاضای تبدیلی شاه دوله خان را کرده و درعین زمان یادداشتی بابت غیر مطلوب بودن سفیر شاه دوله خان به سفارت لندن هم ارسال نموده بود. هدایت وزارت خارجهٔ کابل برای سفیر شاه دوله خان که باید بصورت فوری خاک انگلیس را ترک نماید، در دوسیه موجود بود (۱).

از اولین سفیر افغانستان به دربار لندن در دورهٔ سلطنت اعلحضرت محمد نادر خان، کدام یادداشتی در دوسیهٔ اسلحه یا نبوده یا بخاطرم نمانده، اما از مرحوم علی محمد خان که شاید سفیر دوم این سلطنت بوده دو یادداشت به قلم او که شخص بسیار خوش خط هم بوده، بجا مانده بود. معلوم می شد که سیاست و مناسبات دولت انگلیس با سلطنت محمد نادر خان تغییر کرده و بسیار دوستانه شده بود، معهذا پیرامون خریداری اسلحه کدام یادداشت رسمی که به وزارت خارجهٔ لندن ارسال شده باشد، در دوسیه به نظر نرسید. فقط یک یادداشت به قلم مرحوم علی محمد خان از زبان وزیر خارجهٔ انگلیس نقل قول شده که دولت انگلیس اسلحه و تجهیزات درخواستی اعلحضرت را تهیه و ارسال کرده است. و یک تلگرام از کابل از رسیدن یک جوپه اسلحه و تجهیزات بشمول البسه وغیره اطمینان داده به سفیر علی محمد خان هدایت شده بود که از جلالتماب وزیر خارجهٔ برتانیه تشکر نماید. سفیر دوم سلطنت محمد نادر خان در لندن پسر کاکای اعلیحضرت، سردار احمد علی خان خان سلیمان بود که در تمام مدت جنگ عمومی دوم در لندن مانده بود و در تمام این مدت کدام تقاضایی برای خریداری اسلحه از انگلستان تکرار نشده بود. تعجب آور اینکه در مدت ده سال کمتر از صد مکتوب بین سفارت لندن و وزارت خارجهٔ کابل مخابره شده که اکثر در مسایل حسابی بوده، شاید در سال های جنگ ارتباط هوایی وجود نداشته و ارتباط زمینی از طریق کشتی نیز به خاطر جنگ مطمئن نبوده، طرفه اینکه پوستهٔ سیاسی سفارت به وزارت خارجهٔ برتانیه تسلیم می شده و توسط سفارت برتانیه در کابل به وزارت خارجه سپرده می شده است. فهرست یکی دو پوستهٔ سیاسی آنوقت در سفارت موجود بود که متشکل از تحایف شخصی (البسه و بوتهای مردانه و زنانه و ساعتهای دستی وغیره) بحضور اعلیحضرت و ملکه و اعضای خاندان شاهی بوده است. دو سه یادداشت به قلم سفیر در دوسیه دیده می شد که بیانگر حاضر بودن دولت آلمان نازی در زمان جنگ عمومی دوم به اعطای مجانی اسلحه به افغانستان بوده، اما دولت انگلیس از آن خبر شده و وزارت خارجهٔ برتانیه از طریق سفیر لندن به حکومت افغانستان اخطار داده که اگر از دولت جرمنی اسلحه بگیرد دوستی انگلیس و موقف بیطرفی آن نقض خواهد شد.

در دورهٔ سفارت سردار فیض محمد خان زکریا موضوع خریداری اسلحه از انگلستان و تقاضای تائید حق ترانزیت آزاد افغانستان به اساس مقاولات قبلی تعقیب شده، و درین وقت که دولتی بنام پاکستان تأسیس گردیده بود، دولت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

انگلیس به فروش اسلحه تمایل نشان داده، اما گفته است که تسلیمی آنرا تا بندر کراچی تضمین می تواند، بعد از آن به حکومت پاکستان تعلق می گیرد. در اثر تقاضاها و اصرار سفیر فیض محمد خان زکریا، دولت انگلیس تغییر موقف داده و می گوید که به اساس مناسبات باهمی با پاکستان که یک عضو کامنویلت برتانیه می باشد و دفاع پاکستان به کامنویلت تعلق می گیرد، از فروش هرنوع اسلحه به افغانستان معذرت می خواهد، اما افغانستان می تواند از کشور سویدن اسلحه خریداری کند. درهمین یادداشت تشریفاتی انگلیس که در دوسیهٔ اسلحه موجود بود، دولت برتانیه بحیث دوست افغانستان پیشنهاد کرده که به نفع افغانستان است اگر مناسبات خود را با دولت مستقل پاکستان نورمال بسازد و موضوع ترانزیت را مستقیما با حکومت پاکستان مذاکره کند.

****

۱-- مرحوم شاه دوله خان غوربندی یک تن از غلام بچه های عصر امیرعبدالرحمن خان در دربار کابل، درعهد سلطنت امیر حبیب الله خان مسئول تشریفات شکار ها و میله های امیر بود. روزی در کدام شکارگاه خیمه ها بطور منظم افراشته نشده بود. امیر شاه دوله خان را آنقدر قمچین زد که بیهوش شده بود و چند ماه در برگرفت تا زخم های وی التیام پذیرفت. بعد ترشاه دوله خان بحیث یاور شهزاده امان الله خان موقف گرفت و تحت هدایت علیاحضرت کار می کرد.
بهنگام شهادت امیر حبیبب الله خان در کله گوش لغمان، شاه دوله خان همانجا حاضر بود و در ذهنیت عامهٔ مردم افغانستان تا امروز همین شاه دوله خان به حیث قاتل امیر شناخته شده است. انگلیس ها که امیر حبیب الله خان را نعمت بزرگ برای سیاست استعماری خود در افغانستان می دانستند، و شهادت همین پادشاه موجب تحصیل استقلال افغانستان و تشدید روحیهٔ آزادی خواهی در مستعمرهٔ هند گردید، شاید بهمین علت برتانیه برای پذیرفتن شاه دوله خان به حیث سفیر افغانستان درلندن، متمایل نبود. و شاه دوله خان که ملتفت این نزاکت شده بود، با مامورین انگلیس از خشونت کار گرفته است.

حکومت افغانستان توسط سفیر خود در جرمنی به حکومت سویدن تماس گرفته و آن حکومت گفته که به فروش هر نوع اسلحه حاضر است و آنرا تا بندر کراچی می رساند، بعد از آن تضمین رسیدن اسلحه را بکابل کرده نمی تواند، باید درین مورد موافقت حکومت پاکستان حاصل شود. بالاخره حکومت پاکستان که در پیمان نظامی غرب شامل بود بار اول شاید در اثر سفارس برتانیه و امریکا حاضر شده اجازهٔ عبور اسلحهٔ خفیفه را از خاک خود صادر نماید، آنهم بشرط تسلیم قبلی فهرست اسلحهٔ خریداری شده، و دولت مجبور افغانستان با قبول همین شرط یک مقدار اسلحهٔ خفیفه (از قبیل چند نوع توپ، ماشیندار، تفنگها و کارتوس) از سویدن خریداری کرده (اما حق خریدرای تانک، طیاره و انواع دیگراسلحهٔ ثقیله از طریق ترانزیت پاکستان را نداشته است). در دوسیهٔ اسلحه یادداشتی هم از وزارت خارجهٔ کابل موجود بود که دولت امریکا از فروش اسلحه به افغانستان معذرت خواسته و پیشنهاد کرده تا افغانستان در پکت های نظامی امریکا شامل گردد، آنگاه نه تنها اسلحهٔ مورد نیاز افغانستان، بلکه دفاع افغانستان نیز تأمین خواهد شد. از دورهٔ سفارت والاحضرت سردار محمد نعیم خان در لندن دو یادداشت به قلم مرحوم نور احمد اعتمادی که سکرتر اول بوده در دوسیه وجود داشت، یکی مبنی بر اینکه تلخیص دوسیهٔ اسلحه برای معلومات سفیر کبیر ببرون نویس شده، اما آن تلخیص درین دوسیه نبود. یادداشت دوم در مورد ملاقات سردار محمد نعیم خان با معین وزارت خارجهٔ برتانیه پیرامون نا آرامی ها در سرحدات شرقی افغانستان و تقاضای قبایل پشتون از حکومت افغانستان تا برای آزادی پشتونستان اقدام و حمایت کند و در اثر آن حکومت پاکستان بالای رفت و آمد آزاد قبایل قیوداتی را وضع کرده بود. معین وزارت خارجه به اساس راپورهای خودشان تحریکات سرحدی را از جانب افغانستان دانسته ولی سفیر افغانستان آنرا جداً رد کرده و همه تحریکات و نا آرامی ها را از جانب پاکستان دانسته است. در نوبت سفارت والاحضرت مارشال شاه ولیخان و دوام صدارت سپه سالار شاه محمود خان، تقاضای حق ترانزیت آزاد افغانستان از طریق پاکستان به اساس موافقات سابق با حکومت هند برتانوی، تعقیب می شده، اما موضوع خریداری اسلحه از برتانیه تکرار نشده، زیرا موقف برتانیه و جواب منفی انگلیسها بخاطر موجودیت پاکستان قبلا تخمین شده بود. دلیل اینکه موضوع حق ترانزیت آزاد هنوز هم با لندن تعقیب می شد، وجه سیاسی داشت، زیرا موافقات قبلی درین باره با دولت برتانیه صورت گرفته بود وعدم تعقیب آن معنی استعفی از حق مسلم افغانستان را در برداشت، خصوصاً که مؤسسهٔ ملل متحد به اثر شکایات افغانستان و چند کشور دیگر حق ترانزیت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

را برای کشورهای محاط به خشکه تحت بحث قرار داده بود. این بود تلخیصی از موضوعات مهم دوسیهٔ اسلحه تا جائیکه به حافظه مانده است.

اکنون برمیگردیم به اقدامات سفارت لندن به ارتباط هدایت شفری وزارت خارجهٔ کابل:

در بالا گفتم که بقرار تقاضای مرحوم سید مسعود پوهنیار دوسیهٔ اسلحه را بالای میز او گذاشتم و قرار بود مرحوم عبدالرحمن پژواک پیدا شود و همراه با دوسیه نزد والاحضرت سفیر برود تا طبق هدایت سفیر تعمیل نماید.
پژواک تا دقایق اخیر ساعات کار همان روز پیدا نشد و ما هر کدام به اصطلاح مرحوم پژواک به "کوته" خود رفتیم. فردا صبح مرحوم پژواک را در دفتر با لباس مفشن دیدم و دوسیه اسلحه هم بالای میز من گذاشته شده بود، معلوم بود که دیشب پژواک به سفارت آمده و چند ساعتی با سفیر بوده، چونکه امروز همراه با سفیر به ملاقات مستر«انتونی ایدن Anthony Eden» وزیر خارجهٔ انگلستان می رفت. بساعت ۱۱ بجه سفیرهمراه با پژواک از سفارت برآمدند و من نمی دانم چه وقت برگشتند، زیرا من بساعت ۲ بجه برای صرف غذا بیرون رفته بودم. وقتی بعد از ساعت ۳ بجه بسفارت برگشتم، پژواک در سالون مصروف نوشتن بود. حدود یکساعت بعد پژواک با چهار ورق یادداشت بخط خودش که امضاء سفیر را هم گرفته بود، بطرف میز من آمد و گفت از این مکتوب دو نقل اصل تایپ کنید، یکی به وزارت خارجه می رود و یکی را خود سفیر صاحب کار دارند. این مکتوب به عنوان مرحوم علی محمد خان وزیر خارجه شرح ملاقات والاحضرت سفیر را با «انتونی ایدن Anthony Eden» وزیر خارجهٔ معروف برتانیه دربرداشت. تلخیصی از آنچه را من ٦١ سال قبل تایپ کرده بودم اکنون صادقانه به مردم افغانستان گزارش می دهم :
پژواک نوشته بود که والاحضرت سفیر کبیر با جرأت کامل با وزیر خارجهٔ برتانیه صحبت کرده و به او گفته که افغانستان یک کشور مستقل است وحق زیست دارد و در حالیکه پاکستان را شما تأسیس کردید و حقوق تاریخی ما را بدولت پاکستان دادید، حق ترانزیت ما را که قبلاً در قراردادی بین حکومت هند برتانوی و امیرعبدالرحمن خان امضاء شده و بعداً در معاهدهٔ سال ۱۹۱۹ م تجدید و تائید شده، اکنون پاکستان رعایت نمی کند. دعوی ما با پاکستان نیست، دولت متبوع من در مورد سرحدات کنونی پاکستان مدعیاتی دارد که باید عادلانه و به اساس خواسته های مردم صوبهٔ سرحد حل و فصل شود. دعوی ما با دولت انگلستان است که هم خاک های افغانستان را به پاکستان بخشیده وهم حق عنعنوی ترانزیت افغانستان را تحت تسلط پاکستان قرار داده، در حالیکه مؤسسهٔ ملل متحد اکنون حقوق کشور های محاط به خشکه را تائید کرده، چرا شما مداخله نمی کنید و حق ترانزیت آزاد افغانستان را تأمین نمی کنید؟ چرا افغانستان به حیث یک کشور مستقل اسلحه نداشته باشد و چرا اسلحهٔ مورد نیاز خود را از طریق راه عنعنوی و تاریخی که شما آنرا در تصرف پاکستان قرار دادید، وارد کرده نتواند؟ شما در اثر این سیاست یکجانبه که اختیار کرده اید، می خواهید افغانستان را بدامن شوروی بیاندازید؟ و اگرما مجبور شویم و اینکار صورت بگیرد، آیا عواقب آنرا برای افغانستان و منطقه پیش بینی کرده اید؟ . . . پژواک نوشته بود که والاحضرت سفیرکبیر مدت ۱۵ دقیقه پیهم صحبت و اعتراض میکرد و «انتونی ایدن Anthony Eden» بکلی خاموش بود، اما مستر فلپس مدیر شعبه افغانستان که فارسی یاد داشت، یادداشت می گرفت.
آنگاه «انتونی ایدن Anthony Eden» از چوکی خود برخاسته یک سگرت به والاحضرت و یک سگرت بمن تعارف کرد، و با لحن ملایم گفت : هنگامیکه پاکستان تأسیس شد، من وزیر خارجه نبودم. اینقدر معلوم است که یک پلیبست (نظرخواهی) صورت گرفته و حکومت افغانستان در آنباره با حکومت پاکستان بتوافق رسیده، بعد از آن در اثر متحول شدن اوضاع در منطقهٔ آسیای مرکزی، ناشی ازقدرت بزرگ دولت کمونستی شوروی که رسیدن به بحر هند جزء آمال ملی شان قرار دارد، و این خطر درمرحلهٔ اول به افغانستان متوجه است، ما مجبور شدیم پکت های نظامی بغداد و سنتو را تأسیس کنیم که پاکستان بخاطر سلامت خود به عضویت آن شامل شد. ما ازافغانستان تقاضا کردیم که در آن پکت ها شامل شود، اما دولت شما بسیاست بیطرفی خود ادامه داد که ماهم آنرا محترم می شماریم. . . در حال حاضر که من وزیرخارجهٔ برتانیهٔ عظمی می باشم، خود را مکلف می دانم از تمامیت ارضی پاکستان که یک عضو کامنویلت برتانیه می باشد، دفاع کنم. ما سعی بلیغ به خرچ دادیم که افغانستان با پاکستان بیک تفاهم برسد، تفاهمیکه پاکستان از افغانستان احساس خطر نکند و تمامیت ارضی آن برسمیت شناخته شود، که در آنصورت فکرنمیکنم پاکستان قیودات ترانزیتی را به ارتباط عبور اسلحه ایجاد میکرد. . . من بشما اطمینان می دهم که دولت برتانیه دوست و خیرخواه افغانستان است و آرزو دارد در حل اختلافات بین افغانستان و پاکستان صادقانه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

سهیم شود. اما دولت شما موضوع تاریخی خط دیورند را بطور معکوس آن دنبال میکند. آن قرارداد بین امیر افغانستان و دولت هند برتانوی امضاء شده بود، و امیر به رضائیت کامل خود و اهل دربارش اختیار و ذلیت دایمی آن اراضی را بدولت هند برتانوی واگذار شده و درمقابل آن وجه کافی به امیر داده می شد. این یک مقاولهٔ خرید و فروش بود، و از نظر ما کدام تخطی صورت نگرفته. این نوع معاملات بین کشورهای دیگر نیز صورت گرفته، شما خبر دارید که امریکا قطعه زمین الاسکارا از روسیه تزاری خرید و امروز جزء خاک امریکاست. اراضی تحت تسلط برتانیه بعد از تأسیس هندوستان و پاکستان که هر دو دومینیون برتانیه بودند، به آن دو کشور تعلق گرفته، یک روش تاریخی و قانونی بوده است. . .

پژواک نوشته بود که بعد از شنیدن بیانات «انتونی ایدن Anthony Eden»، والاحضرت سفیر کبیر اینبار از من تقاضا کرد به انتونی ایدن بگویم که: شما خاک های افغانستان را با تهدید و تزویر، بدون پرسان و رضائیت ملت افغان تصرف کردید و باز آنرا به دولت نو بنیاد پاکستان بخشیدید، درحالیکه شما صد سال پیش از تأسیس پاکستان با دولت افغانستان شناخت و تماس داشتید و می دانستید که این اراضی به مردم افغانستان تعلق دارد، برادرها و عموزاده ها ازهم جدا ساخته شدند، اما در تمام مدت تسلط شما خط سرحدی یا موانع رفت و آمد وجود نداشته، افغان ها آزادانه بهر دو طرف صوبه سرحد رفت و آمد داشتند و هنوزهم دارند، اما شما هنوز هم از سیاست ظالمانهٔ حکومت هند برتانوی وهم از پاکستان دفاع می کنید. . . پژواک نوشته بود که بیانات والاحضرت را عینا ترجمه کردم و چون نوبت بمن رسیده بود مدت ده دقیقه راجع به تاریخچهٔ خط دیورند و عنعنات افغان ها – و اینکه صوبهٔ سرحد مانند الاسکا نیست، زیرا بعد از خریداری الاسکا هر نوع ارتباط اجتماعی بین آن قطعه و مردم آنوقت روسیه قطع گردیده بود، در حالیکه افغان ها در تمام این مدت آزادانه بهر دو طرف خط فرضی رفت و آمد، داد و معامله حتی ازدواج ها داشته و دارند - و از ارادهٔ مردم صوبه سرحد برای تأسیس یک کشور مستقل بنام (پشتونستان) توضیحات دادم و یک نسخه از رساله (روز پشتونستان) راهم رو بروی انتونی ایدن گذاشتم . آنگاه انتونی ایدن تبسم کنان و با لهجهٔ نرم و آرام گفت: خوب، ما و شما در مسائلی که مطرح شد موافقت نداریم و دوام این صحبت فایده ندارد. حالا والاحضرت شما بفرمائید ازمن و دولت برتانیه چه می خوائید؟ والاحضرت از پژواک تقاضا کرد بیانات او را ترجمه کند:
جلالتمابا ! اردوی برتانیه در قرن ۱۹ سه بار بالای افغانستان تعرض کرده، خاک های افغانستان را در مشرق و جنوب تجزیه نموده و بعداً در قرن بیستم آن خاک ها را به پاکستان بخشیده، آیا در پایان این همه حق تلفی ها افغانستان حق ندارد از عدالت برتانیه تقاضا نماید که حق ترانزیت آزاد را برایش تضمین کند، و چرا بمردم صوبه سرحد حق تعیین سرنوشت داده نمی شود؟ باید خاطر نشان سازم که این آخرین مراجعهٔ دولت افغانستان به دولت برتانیه است و به سفیر شما در کابل نیز تماس گرفته شده، افغانستان فعلا در یک دو راهی قرار دارد، از طرف دول غربی که تحت تاثیر برتانیه قرار دارند، بکلی مایوس است، و اگر این وضع تغییرنکند مجبور می شود بطرف همسایه شمالی خود دست دراز کند و از شوروی اسلحه خریداری کند. . .
پژواک نوشته بود که انتونی ایدن بعد از شنیدن ترجمهٔ بیانات والاحضرت سفیر کبیر، این بار صحبت را بطور جدی دنبال کرد و والاحضرت را مخاطب قرار داده گفت: جلالتماب سفیرکبیر! حکومت من خبر دارد که اتحاد شوروی از مدتی است در صدد شکار افغانستان برآمده، ما می دانیم که اتحاد شوروی نه تنها به افغانستان اسلحه می دهد بلکه کمک های بیشتر هم خواهد کرد، اما من از والاحضرت شما خواهش می کنم پیام مرا بشخص اعلیحضرت پادشاه افغانستان برسانید که اگر حکومت افغانستان دروازه های کشور خود را بطرف ماسکو باز کند، سلطنت افغانستان به زوال مواجه خواهد شد. آنگاه انتونی ایدن بپا ایستاده دست خدا حافظی بطرف والاحضرت پیش کرد. این ملاقات بیشتر از یکساعت وقت را در بر گرفته بود.

مرحوم پژواک همه جزئیات این ملاقات را در قید قلم در آورده بود، ولی جالب ترین قسمت این راپور بنظر من پاراگراف اخیر آن در صفحه چارم دستنویسی بود که آن را پژواک بفکر خود و خارج از محتویات ملاقات نوشته بود. درین پاراگراف که ۱۲ سطر داشت، پژواک داستان دوسیهٔ اسلحه را که توسط اولین سفیر افغانستان در لندن تقاضای خریداری اسلحه از دولت برتانیه صورت گرفته و تا آخرین سفیر دوام داشته، مختصر گزارش داده و علاوه کرده بود: "اما وزارت خارجهٔ انگلستان بروی هر کدام از سفرای افغانستان شلاق زده که در حقیقت بروی افغانستان شلاق زده، آیا دولت افغانستان هنوزهم با مراجعه بدولت برتانیه انتظار شلاق بیشتر را دارد؟ یک دلیل

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

که پاکستان به حکومت افغانستان وقعی و حیثیتی قایل نیست همین است که می داند همیشه به ولینعمت او شکایت می بریم. حالا دولت معظم افغانستان باید فیصله کند که ازین وضع حقارت آمیز چطور نجات یافته می تواند. . . "

هنوز تایپ نقل دوم تمام نشده بود که مرحوم پژواک نزد من آمده گفت سفیر صاحب می خواهد ازین مکتوب سه نقل تایپ شود (و دوستانه تقاضا کرد یک کاربن کاپی بخود اوهم داده شود). از آن مکتوب سه نقل تایپ کردم و هر بار با استفاده از کاربن یک کاپی هم می گرفتم. مرحوم پژواک هرسه نقل تایپ شده را نزد سفیر برده و بعد از امضاء والاحضرت دوباره بمن سپرد تا در کتاب اندیکاتور نمبر و تاریخ زده همراه با سه پاکت رسمی به اطاق سفیر ببرم و خودش همانجا رفت. وقتی مکتوب ها و پاکت ها را به اطاق سفیر روی میزش قرار دارم، سه نفر اعضای سفارت (مستشار، سکرتر اول و پژواک) آنجا نشسته و چای می خوردند ، والاحضرت تشکر کنان صلای چای کردند. از دوام صحبت فهمیدم که فردا شب جنرال صفر خان نورستانی (که روز بعد روندۀ کابل بود) به سفارت برای نان شب دعوت شده. بعد از نیم ساعت توقف که هوا تاریک شده بود همه برخاستیم و بعد از بوسیدن دستان والاحضرت (باستثنی پژواک) خدا حافظی کردیم. والاحضرت به موتروان سفارت امرکرد هر چهار نفر را به "کوته" های ما برساند – هیچیک از اعضای سفارت هنوز موتر شخصی نداشت.
شب بعد جنرال نورستانی و اعضای سفارت در سالون متصل دفتر والاحضرت نان خوردیم. آنگاه والاحضرت بمن امر کرد تا مهر سفارت را از دفتر بیارم. دو پاکت سربسته را بدست خود مهر کرد، آن یکی که بعنوان اعلیحضرت معظم همایونی بود درعقب پاکت امضا های والاحضرت نیز دیده می شد، و دومی به عنوان علی محمد خان وزیر خارجه، هر دو پاکت را در حضور اعضای سفارت به جنرال صفرخان نورستانی سپرد و سفارش کرد که پاکت ها را بشخص اعلیحضرت و وزیر خارجه تسلیم کند. جنرال با بوسیدن دستان والاحضرت پاکت ها را تسلیم شد. در پاکتی که به عنوان اعلیحضرت پادشاه افغانستان بود، همه متوجه شدیم که وزن بیشتر و پندیدگی داشت، یعنی والاحضرت به قلم خود نامه ای شخصی و خصوصی به عنوان اعلیحضرت در آن گذاشته بودند. نقل سوم آن مکتوب نزد والاحضرت سفیر ماند که شاید به دوسیه شخصی خود گذاشته باشند. چار ورق دستنویس پژواک که امضاء سفیر را داشت بحیث مینوت در دوسیه ملاقات ها گذاشته شد. یک کاربن کاپی آن مکتوب را بهر یک پژواک و پوهنیار دادم و یک کاپی نزد خودم بود.

شاید دو ماه یا کمتر بعد از صدور آن مکتوب سپه سالار شاه محمود خان مجبور به استعفی شد و سردار محمد داود خان به حیث صدراعظم افغانستان مقرر و اعلان گردید. مرحوم سید مسعود پوهنیار به قسم مزاح به مرحوم پژواک می گفت " قصدت را گرفتی . . ." تصور من ازین جریان از این قرار بود که علاوه بر اوضاع سیاسی آنزمان، خفقان بین دو برادر ناشی از ازدواج عبدالولی خان با شاهدخت بلقیس، موازنه بین اعضای خاندان را برهم زده و در استعفی والاحضرت صدراعظم رول بازی کرده بود، زیرا در آنوقت والاحضرت مارشال علاوه بر کاکا، قدۀ پادشاه نیز می شد. نامۀ خصوصی که والاحضرت سفیر برای پادشاه نوشته بود، حتماً تغییر حکومت را سفارش کرده خواهد بود. البته وضع سیاسی مملکت نیز در آنوقت محتاج یک تغییر آنی بود، سردار محمد داود خان در کابل علناً برای تخریب حکومت کاکای خود کار می کرد، مکتوب سفارت لندن فقط از لحاظ سیاسی زمینۀ تغییرحکومت را فراهم ساخت. حکومت جدید به قیام مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی مبادرت ورزید که انجام آنرا «انتونی ایدن Anthony Eden» پیشبینی کرده بود.

پایان

یادداشت پورتال:
هر گاه خواسته باشید بخش اول این نوشته را زیر عنوان «روز پشتونستان» مطالعه کنید به کمک لینک آتی می توانید:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/hashemian_s_k_roz_pashtounistan.pdf

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع هموطنان محترم می رسانم که در یک ماه اخیر یک سلسله مقالات در چهار بخش به قلم آقای داکتر سید حمیدالله روغ پیرامون معنی و تفسیر یک بیت ذیل حضرت بیدل در پورتال وزین (افغان جرمن آنلاین) نشر شده :

هیچ شکلی بی هیولا قابل صورت نشد آدمی هم پیش ازآن کادم شود بوزینه بود

محقق مذکور زحمت بسیار کشیده و در ۲۵ صفحه نوشتار مطالب گوناگونی از کیش بوداهیت و عرفان هندی گرفته تا نظریات افلاطون، سقرا ط و هیگل و هانری کورین و امثالهم که اکثر آنها ربطی به اصل مطلب ندارد فراهم آورده و از همه دانشمندان و بیدل شناسان افغان نقل قول کرده، به اصطلاح بسیار دویده و تپیده که این همه تجسس و ریسرچ وی بخاطر معنی یک بیت بیدل نمودار علاقمندی او به بیدل و قابل تحسین است.
اما شیوهٔ تحقیق آقای داکتر روغ با طرز تفکر و جهان بینی و ایدیالوژی حضرت بیدل در تضاد قرار دارد، گویا او شناخت درستی از ابوالمعانی بیدل ندارد. ازین جاست که پای او نیز مانند سایر همقطارانش در گل بند مانده و معنی آن بیت را آنطوری که " مانع و جامع " باشد، پی نبرده و افاده نتوانسته است.

من به حیث یک طالب العلم ادب دری و مکتب بیدل، سعی می کنم اگر حیات باقی بود، انشاءالله تا یک هفته یا ده روز معنی بیت فوق را به اساس شناخت بیدل و معاییر علم زبان شناسی به هموطنان محترم تقدیم کنم.
باعرض حرمت. سیدخلیل الله هاشمیان
۲۷ دسامبر ۲۰۱۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ